

اخبار جنبش اسلامی

شماره ۹ - هفتم دی ماه ۱۳۵۷

تهران

آخرین لحظه:

آتش زدن خانه سرهنگ زیبایی

ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه ۱۰/۶ در تقاطع خیابان ثریا و ملک الشعرا بهار، مقابل اداره اصناف، جمعیت تظاهر کننده به یک اتومبیل مرسدس بنز مشکوک میشوند و پس از مشاهده بی سیم آن، هنگامیکه میخواهند داخل آنرا بازرسی کنند، سرنشین اتومبیل مسلسل از زیر صندلی بیرون کشیده و بسوی مردم تیراندازی میکند و یک زن چادری و دو جوان را بخاک و خون می کشد و خود با سرعت فرار میکند و در خیابان تخت جمشید سوار یک آمبولانس ارتشی در حال حرکت شده و میگریزد. هنگام فرار دفترچه و قبالة ای از جیبش بیرون می افتد که مردم بلافاصله آنرا بر میدارند و می بینند روی آن نوشته:

سرهنگ علی زیبایی - آدرس - خیابان بهار بالاتراز تخت جمشید - کوچه مهتاب - شماره ۴

بلافاصله جمعیت برای دستگیری او بسوی خانه هجوم می برند اما متأسفانه او را نمی یابند اما خانه مجللش را با تمام وسایل لوکس آن بآتش کامل میکشند. مردم قالی های او را با کارد تکه تکه میکنند و لوسترهای و چینی آلات و ظروف قیمتی را بکلی خرد میکنند علاوه بر آن سه قبضه اسلحه کمری و یک دستگاه بی سیم و مقداری زیادی لوازم مخابراتی و کتب و اعلامیه های جعلی توسط مردم مصادره می گردد.

اتومبیل مرسدس بنز این جانی سابقه دار در همان خیابان ثریا بآتش کشیده میشود و اتومبیل دیگرش در منزل خیابان بهار، سرهنگ بازنشسته علی زیبایی از شکنجه گران معروف و قدیمی ساواک بازنشسته علی زیبایی از شکنجه گران معروف و قدیمی ساواک میباشند که همراه سیاحتگر از زمان حزب توده مأمور بازجویی و شکنجه بوده است. مردمیکه در آتش سوزی خانه این مزدور شرکت داشتند میگفتند اشیاء این منزل از پول خون جوانان وطن تهیه شده و حرام است و باین دلیل کسی چیزی را با خود نمیرد.

بیمارستان هزار تختخوابی

امروز صبح (۱۰/۶) طبق قرار قبلی از ساعت ۸/۵ مردم بسوی بیمارستان هزار تختخوابی حرکت کردند تا در مراسم تشییع جنازه فقید شهید مهندس کامران نجات الهی شرکت کنند با وجود ممانعتهاییکه از طرف نیروهای نظامی نسبت به ورود افراد به محوطه بیمارستان بعمل می آمد، نزدیک ساعت ۹/۵ بیش از ۵ هزار نفر تجمع میکنند. در اینموقع حضرت آیه الله طالقانی باتفاق آقای دکتر سبحانی در معیت بیش از هزار نفر به محوطه وارد میشوند. ایشان ضمن سخنرانی کوتاهی بعد از تجلیل از شهید فقید نجات الهی و تسلیت بخانواده او، دانشگاهیان و ملت ایران را به صبر و مقاومت و اتحاد دعوت کردند. در ساعت ۱۰/۱۵ یکی از استادان پلی تکنیک تهران بعد از شرحی درباره همکار فقیدشان تاکید کرد که گلوله شلیک شده از ساختمان مقابل و عمدی بوده است آیورت شهید را بکلی از بین برده و مسلم است از پایین خیابان نمیتوان شکم را هدف گرفت. باینترتیب اکاذیب شب قبل دکتر مفیدی با همه اشک تسامح هایش و نیز اعلامیه مزورانه فرمانداری نظامی بوضوح بر ملا شد.

بین ساعت ۱۰/۱۵ تا ۱۱ سخنرانان دیگری از جمله خانم دکتر سمسارزاده و دکتر عباس شیبانی مطالبی در تحلیل اوضاع روز و مراتب انزجار مردم از کشتارهای اخیر ایراد کردند.

ساعت ۱۱ مراسم تشییع جنازه مرحومین نجات الهی و مسعود دهقانی دانشجوی بابلی شروع گردید که بیش از ده هزار نفر جنازه ها را روی دست به دور محوطه بیمارستان گرداندند و شعارهایی از قبیل:

قاتلت را میکشیم - شاه ترا میکشیم

میکشیم میکشیم آنکه برادرم کشت

شاه جنایت میکند ارتش حمایت میکند

..... داده شد بعد از پیاده روی در اطراف بیمارستان، آقایان، دکتر سحابی و دکتر سنجابی و فروهر و کروبوی (روحانی) سخنرانی کردند.

ساعت ۱۲ بعد از مذاکره تلفنی فرمانده نیروهای نظامی (سرلشگر کیانی) با اویسی، در حضور آقایان دکتر سحابی و داریوش فروهر، قرار میشود که جنازه ها با آمبولانس توسط مردم تا میدان ۲۴ اسفند مشایعت گردد. این مسیر با نظم کامل و شعارهای «الله اکبر و لا اله الا الله» طی میگردد. در ساعت یک بعد از ظهر هنگامیکه مردم همراه آمبولانس حامل جنازه ها به میدان میرسند از طرف سربازان مستقر در مقابل دبیرخانه دانشگاه (محل تحصن استادان) تیراندازی به سوی مردم آغاز میشود و حدود یکساعت ادامه پیدا میکند.

در این تظاهرات آقایان دکتر سحابی و داریوش فروهر و جمعی از نمایندگان روحانیت در صف مقدم حضور داشتند و پزشکان و پرستاران بیمارستان مسوول انتظامات مراسم بودند. در اثر تیراندازی مأمورین بیش از همه پزشکان و پرستارانیکه در چمن مقابل مجسمه روی زمین نشسته بودند کشته و زخمی میشوند و این نظامیان حیوان صفت نشان میدهند که هیچ حرمتی را مراعات نخواهند کرد.

گفته میشود در اثر این تیراندازی ۵۴ نفر کشته شده اند از جمله سرگردی که در تمام مراحل از بیمارستان تا میدان، با مردم مدار او مساعدت میکرده است.

یکشنبه سوم دیماه

امروز متعاقب باز شدن مدارس، علیرغم تصور باطل سردمداران کودن رژیم، که فکر میکردند بر اوضاع مسلط شده اند و مردم آرام گرفته اند، موج تظاهرات و مخالفت با رژیم سفاک مجدداً بالا گرفت و محصلین نوجوان، پسر و دختر، بخیابانها ریختند و حمایت خود را از جنبش مردمی و رهبری امام خمینی و انزجارشان را نسبت به رژیم جنایتکار بار دیگر با صدای رسا اعلام کردند. جمعیت کثیری از آنها در خیابانها ایرانشهر - فرصت - فردوسی و ویلا تظاهرات کردند و هنگامیکه در تقاطع ویلا و فردوسی مقابل شرکت هواپیمایی اسرائیلی «العال» میرسند، هدف رگبار مسلسل قرار میگیرند و ۴ نفر کشته و بیش از ۱۵ نفر مجروح می شوند. مردم ۳ خودرو ارتشی ۲ مینی بوس و ۱ جیپ ارتشی را به آتش میکشند (در خیابان ثریا).

کارمندان ادارات و کسانیکه در آپارتمانها زندگی میکردند از پنجره ها و بالکن ها به سربازان دشنام میدادند و به آنها سنگ پرتاب میکردند و سربازان نیز مرتباً به پنجره ها و اطاقها تیراندازی میکردند.

در پارک وی در تقاطع با فرح زاد، مأمورین ۲ نفر از دخترانی را که به تظاهرات پرداخته بودند مجروح میکنند و ۴ نفر آنان را دستگیر مینمایند.

در خیابان هاشمی در اثر تیراندازی چندین نفر مجروح میشوند.

مردم بر انکار مجروحی را بعلت راه بندان، سردست به بیمارستان نامداران میبرند، در اینموقع بطور ناگهانی مأمورین نظامی سر میرسند و بتصور آنکه تشییع جنازه است، مردم را به گلوله میبندند و چند نفر دیگر را مجروح میکنند و خود جنازه را میبرند.

دوشنبه (۴ دیماه)

امروز از صبح خیابان ثریا - ایرانشهر - فرصت و ویلا صحنه تظاهرات بود. محصلین دایماً خیابانها را با گذاشتن تیرآهن و لاستیک مشتعل می بستند و مزدوران مرتباً مانور میدادند و تیراندازی میکردند. روی دیوارهای خیابانهای ایرانشهر و ثریا، رقم شهدای امروز این منطقه را ۴ نفر ذکر کرده بودند.

در غرب تهران محصلین بسوی دانشگاه تهران حرکت میکنند و در چند نقطه مورد اصابت گلوله قرار میگیرند ولی از تعداد شهدا و مجروحین اطلاعی در دست نداریم.

در خیابان شوش (میدان غار) یک تریلی ارتشی متعلق به شرکت «اتکا» توسط مردم به آتش کشیده شده و راننده آن با گفتن «مرگ بر شاه» جان سالم بدر برد.

امروز طبق قرار قبلی، گردهم آنی در بیمارستان «داریوش کبیر» (دکتر علی شریعتی) صورت گرفت. مردم از صبح زود به طرف بیمارستان حرکت کردند اما سربازان و کامیونهای پلیس که از همه طرف راه را محاصره کرده بودند، مانع ورود مردم به بیمارستان میشدند. بالاخره بعد از فشار و ازدحام جمعیت مجبور شدند درها را باز کنند و این موقعی انجام شد که مردم بدون اعتنا به سربازان و مسلسل‌هایشان از روی نرده ها خود را بداخل میرساندند.

برنامه یا سخنرانی چند تن از پزشکان بیمارستان های مختلف شروع شد سپس نماینده ای از طرف کارکنان بانک مرکزی درباره انقلاب و مبارزات مردم ایران صحبت کرد و بعد نماینده ای از معلمان همبستگی آنان را با تمام طبقات و ادارات اعلام نمود. بعد از سخنرانی یکی از پزشکان بیمارستان اعلام کرد که کلیه بیمارستانها اعم از خصوصی و دولتی اعلام کرده اند که آماده پذیرایی تمام مجروحان و تیرخورده های احتمالی هستند و مجاناً آنها را مداوا خواهند کرد.

در اوایل جلسه آقایان مهندس بازرگان - دکتر سحابی و دکتر سنجابی بجمع پیوستند و با استقبال و درود همه حاضران مواجه شدند. سپس آقای دکتر حاج سید جوادی و آقای داریوش فروهر سخنرانی کردند.

در داخل سالن بیمارستان نمایشگاهی از عکس های مختلف شهدا همراه با اعلامیه های مختلف تشکیل داده شده بود. کار کتابفروشیها هم در داخل سالن رونق فراوان داشت ولی سربازان هنگام خروج مردم را بازرسی میکردند و چند نفری را به این ترتیب دستگیر نمودند.

این مراسم بدون تیراندازی و کشتار بیپایان رسید.

سه شنبه آینده نیز قرار است در بیمارستان امیر اعلم نظیر چنین مراسمی برپا گردد.

سه شنبه (۵ دیماه)

امروز تمام طول خیابان تخت جمشید شاهد کشتار فجیع مزدوران ارتشی بود و تا آخرین ساعات شب صدای تیراندازی بگوش میرسید و جنگ و گریز ادامه داشت. در ساعت ۱۲ نیروهای مخصوصی (کماندو) فاصله چهار راه پهلوی تا جلو سفارت امریکا را بستند و مانع حرکت اتومبیلها شدند تا براحتی به کشتار نوجوانان بپردازند. تمام دیوارهای این خیابان از شعارهای ضد رژیم و ضد آمریکایی پر بود.

آمریکایی، قبل از اینکه از دنیا بروی از ایران برو.

مرگ بر شاه آمریکایی.

درود بر خمینی - بر قرار باد جمهوری اسلامی.

در ساختمان شرکت نفت کارمندان از پشت شیشه ها فریاد مرگ بر شاه سر میدادند و ادارات سازمان برنامه و راه آهن و بانکهایی که در حد فاصل بین پهلوی و تخت جمشید (حافظ) بودند کارمندانشان از پشت پنجره ها با مشت های گره کرده فریاد مرگ بر شاه میکشیدند. مزدوران رژیم خیابانها را محاصره کرده به پیاده ها و سواره ها و داخل منازل تیراندازی میکردند. حتی در ساختمان وزارت علوم، به یکی از استادان اعتصابی متحصن بنام «کامران نجات الهی» که برای رفع خستگی و هواخوری به بالکن آمده بود تیراندازی میکنند و او را به قتل میرسانند.

در فاصله بین ویلا و فیشرآباد نظامیان چند نفر را بگلوله بستند و اجساد آنها را توسط کامیونها با خود بردند. در منطقه بازار امروز یک ستوان یکم ارتش و یک گروهبان اعدام شدند و در خیابان شهپاز یک پاسبان باین کیفر رسید. مزدوران سفاک هر گاه از کامیون پیاده شده و مردم را به گلوله می بستند، مأموری هم آنها را نشانه میگرفت تا بتواند اسلحه خود را بسوی یکدیگر یا فرمانده برگردانند.

نزدیک میدان فردوسی مردم یک اتوبوس ارتشی را به آتش کشیدند و یک نظامی میگفت اگر مردم تا یکماه دیگر بتوانند همینطور مقاومت کنند تمام ارتش از هم پاشیده میشود.

هموطن

اکنون که مطبوعات - رادیو و تلویزیون - مدارس - مساجد - دانشگاهها و کلیه مراکز تجمع و کسب خبر تعطیل و توقیف و در اختیار نظامیان درآمده، وظیفه همگان است که در انتقال اخبار و تکثیر و توزیع سریع آن بکوشند.

کرج

روز جمعه ۱۰/۱ - در ساعت ۵ بعد از ظهر مردم این شهر پس از پایان سخنرانی در مسجد جامع، بخوابانها آمده و به تظاهرات پرداختند. در خیابان قزوین جمعیت تراکم زیادی پیدا میکند. در اینموقع نیروهای نظامی با تانک و کامیون بطرف مردم حمله میکنند و با پرتاب گاز اشک آور و تیراندازی موجب زخمی شدن تعداد زیادی از مردم میشوند.

مردم راه پیمایی را از طریق خیابانهای مظاهر و امیری تا ساعت ۹/۵ شب ادامه میدهند.

کارکنان هواپیمایی ملی ایران در تاریخ ۵۷/۹/۲۸ اعلامیه ای منتشر کرده اند و ضمن اعلام همبستگی با ملت به پا خواسته ایران تحت رهبری امام خمینی، اطلاع داد که در تاریخ ۹/۲۷، ۸ نفر از خلبانان و ۲ نفر از قسمت فنی این اداره بخاطر آنکه روز ۹/۲۷ بنا به وظیفه شرعی و وجدان از کار کردن امتناع کرده بودند اخراج شده اند. حکم این اخراج توسط سرلشگر امیر فضلی (مدیر عامل هواپیمایی ملی) با استناد به بخشنامه شماره ۱۰۰/م پ ک صادر شده است.

روز ۹/۲۷ مصادف با هفتم شهدای اصفهان - نجف آباد شیراز و آبادان بوده است.

روزنامه آلایک «روزنامه رسمی ارامنه در تهران» که همگام روزنامه ها و مطبوعات داخلی مدتها است فعالیت ندارد، طی یک شماره فوق العاده، از ارامنه ایران خواسته است که از برگزاری جشنها و مراسم کریسمس بخاطر اعلام همبستگی با مسلمانان ایران جداً خودداری کنند.

کارکنان اعتصابی برق تهران، با احترام عید آنها از خاموش کردن برق یکشنبه شب خودداری نمودند.

حدود یک ماه است که هواپیماهای C-۵، که از بزرگترین هواپیماهای ترابری آمریکاست و براحتی میتواند یکهزار سرباز با تجهیزات را در خود جای دهد، مرتباً بایران پرواز دارد و در فرودگاه مهرآباد مهمات و نفر برهای ارتشی تخلیه میکند، گنجایش مهمات این هواپیما معادل پنج تریلی بنز ده سیلندر ارتش میباشد.

کارکنان گمرک در برابر فشار مسوولین امر در مورد شکستن اعتصابشان قاطعانه ایستادگی کرده اند تا جایی که حاضر شدند به خدمتشان خاتمه داده شود ولی اعتصاب را نشکنند.

دارو و شیر خشک و مواد غذایی از گمرکات ترخیص میگردد و گران شدن این اجناس بدلیل اینکه از گمرک ترخیص نمیشود، بهانه ای بیش نیست.

روز دوشنبه ۹/۲۷ در ساعت ۲۱/۱۰ شب در خیابان آرامگاه در فاصله ۵۰۰ متری چهار راه چیت سازی، آمبولانسی در پشت یک تانکر توقف میکند و با عجله ۷ جسد را از آن خارج کرده بداخل تانکر می اندازند. از قراری که تحقیق شده، در این تانکر اسید وجود دارد و اجساد را برای نابودی و حل شدن در آن قرار میدهند.

گفته میشود در ایام محرم قبل از تاسوعا ۶ دستگاه از این تانکرها توسط هواپیماهای آمریکایی بایران تحویل شده است. یکنفر ساواکی که در یک مجلس مورد نمسخر و استهزار قرار گرفته بوده چنین اعتراف می نماید.

آتش سوزی اتوبوسهای شرکت واحد در روز بعد از حادثه دانشگاه توسط ساواک نبوده بلکه مستقیماً دستور از هاری و فرمانده گارد شاهنشاهی، گروهبانه‌های گارد مامور این کار می‌شوند و این مزدور اضافه کرده که تلگرام گارد به ساواک برای عدم اعزام مأموران مخفی در آنروز در پرونده های ساواک ضبط شده است.

در هفته گذشته کلیه کسانی که بجرم داشتن اعلامیه و یا بعد از ساعت ۹ شب دستگیر میشوند با رنگ و قلم مو همراه یک سرباز برای شعار نویسی بر روی دیوارها و پاک کردن شعارهای ملی به بیگاری گرفته شدند. یک سرهنگ متدین نیرو هوایی بنام «حسابی» را بجرم اینکه در شبهای «نیایش شبانه» در پشت بام خانه خود حضور مییافته، بازداشت کرده اند.

ارتش

پادگان‌های ارتشی در شرایط از هم گسیخته‌ای است. فرماندهان ناپدید شده‌اند و از ترس ترور در مراسم صبحگاه حاضر نمی‌شوند و کارها از هم پاشیده است. مطابق بخشنامه به افسران وظیفه و بیشتر گروهان‌ها و سربازان اسلحه داده نمی‌شود و پادگان‌های دوردست به کلی از سرباز خالی شده است. اعلامیه ها:

انجمن اسلامی پزشکان ایرانی در ایالات متحده آمریکا ضمن انتشار سه اعلامیه مورخ نوزدهم آذرماه خطاب به امام خمینی، پزشکان و متخصصان بهداشتی و مردم ایران، تشکیل انجمن همکاری با سایر انجمنهای اسلامی ایرانی در آمریکا و پیوستگی خود را به جنبش اسلامی مردم ایران با اطلاع رسانده اند.

در اعلامیه خطاب بمردم پس از قدردانی از مبارزات حماسه آفرین اخیر مطلب را اینچنین پایان می‌برند.

«ما پزشکان ایرانی ساکن آمریکا با الهام از جانبازیهای شما در راه خدا و اعتلای اسلام عزیز تشکیل انجمن اسلامی پزشکان ایرانی در شمال آمریکا اعلام میکنیم و با اتحاد خود در این انجمن انشاءالله در رساندن صدای حق طلبانه شما به جهانیان اقدام خواهیم کرد و در این راه از هیچ کوششی دریغ نخواهیم نمود. جان ما فدای راه شما باد که راه خداست ما همراه شما برای استقرار حکومت اسلامی و برقراری عدالت و آزادی با دادن جان و مال مبارزه خواهیم کرد.»

کارمندان مبارز گمرک ایران در تاریخ بیست و هشتم آذرماه اعلامیه ای منتشر نموده اند که اینچنین آغاز میگردد «رژیم سلطنتی دست و پا زدنهای آخر خود را میگذراند و می‌رود تا برای ابد از تاریخ ایران محو گردد» و با حمله به آقای صدریه که برای بکار کشاندن کارمندان متوسل به ارباب و تهدید گردیده است ادامه داده و او را به پیوستن به صفوف ملت و راه خدا دعوت نموده اند و مطالب خود را اینچنین پایان می‌برند.

کارمندان گمرک بپاخاسته اند و می‌روند تا در تاریخ بشریت نام خود را جاودانه ثبت کنند. ساعت هشت بعد از ظهر روز شنبه بیستم آذرماه آقای حسین مفید (امام جماعت مسجد ابا عبدالله الحسین واقع در تهران پارس) را مأمورین دستگیر نموده اند و هنوز از ایشان اطلاعی در دست نیست.

اهواز

شب عاشورا (۲۰ آذر) هنگامیکه مردم در «عباسیه» به سخنان خطیب «آقای عبداللهی» گوش میدادند، پلیس بطور ناگهانی بطرف مردم حمله کرده و مبادرت به تیراندازی می‌کند و ۸ نفر را با گلوله شهید می‌سازد. در پی این جنایت افراد پلیس در ساعات منع عبور و مرور شبانه، به ۵ مغازه از جمله (طلا فروشی ثقفیان و زرگری طاووسی) دستبرد می‌زنند و جالب آنکه یکی از مأمورین از فرط عجله سر نیزه خود را جا میگذارد.

سه شنبه ۲۸ آذر - جامعه پزشکان شهر باتفاق جمعی از روحانیون و دانشجویان، بعنوان اعتراض به حمله سبعانه به بیمارستان ۱۷ شهریور (شهرضا) مشهد، در محل بیمارستان جندیشاپور تحصن اختیار میکنند و تصاویر بزرگی از امام خمینی و دکتر شریعتی را در سر در بیمارستان نصب می نمایند.

بدنبال این تحصن، سازمانها و گروههای مختلف شهر، همبستگی خود را با این اقدام اعلام میدارند. در این اجتماع یک روحانی، یکی استاد و یکی از کارکنان شرکت نفت سخنرانی می نمایند و در پایان مراسم پزشکان شهر اعلام میدارند که دیگر بیمه ارتش را به هیچ وجه قبول نمی کنند.

چهارشنبه ۲۹ آذر - در این روز معلمین شهر بعنوان اعتراض به حکومت نظامی و کشتار مردم، در اداره فرهنگ تحصن اختیار میکنند.

شب هنگام تظاهرات پراکنده ای در خیابان پهلوی صورت می گیرد که منجر به پرتاب گاز اشک آور و تیراندازی میشود که در نتیجه آن یک نفر شهید میگردد. متعاقب این جریان چماق بدستان دولتی به بیمارستان جندیشاپور حمله میکنند و کلیه در و پنجره و شیشه های آنرا خرد میکنند (باید توجه داشت که این عمل موقعی صورت میگیرد که رادیو و تلویزیون دولتی دم از استقلال و مصونیت بیمارستانها میزنند).

در همین شب انفجاری در ستاد ارتش واقع در باغ ملی خیابان ۲۴ متری صورت میگیرد.

خط لوله ۴۲ اینچ انتقال نفت به بنادر جنوب در محل «گره» منفجر میگردد.

پنجشنبه ۳۰ آذر - شب هنگام تظاهرات وسیعی در شهر صورت میگیرد که به درگیری پلیس با مردم و مجروح شدن عده ای منجر میگردد.

جمعه ۱ دیماه - آقایان بیژن زاده و کوچک زاده و عده دیگری از بازاریان سرشناس بوسیله فرمانداری دستگیر می شوند.

شنبه (۲) دیماه - امروز (POLE GREEN) رییس شرکت نفت در مناطق جنوب که پس از انفجار ماشین و زخمی شدن (LINK) و انتقال نامبرده به آمریکا، مسوولیت شرکت نفت را بعهده گرفته بود، در منطقه کوروش شهر، هنگام عبور از خیابان با رگبار مسلسل بکیفر میرسد. این شخص با وجود تهدیدهای مکرر کارکنان اعتصابی، دست از لجاجت و مخالفت با خواسته های مردم برنمیداشت.

علاوه بر این شخص، رییس واحد تولید شماره ۱ و ۲ نفت اهواز بنام «ملک محمد بروجردی» که برای درهم شکستن اعتصابات از هیچ عملی فروگذار نکرده بود، در خیابان ۱۷ کیان پارس هنگامیکه با اتومبیل از منزلش خارج میشد با شلیک گلوله ۳ مجاهد که مجهز به هفت تیرهای صدا خفه کن بودند، ترور میشوند.

متعاقب ترور این شخص و نفر ثالثی که هویتش برای ما روشن نیست، رؤسای اغلب قسمتها از ترس استعفا میدهند و تولید به صفر میل میکند.

دوشنبه (۴ دیماه) - امروز طبقات مختلف مردم متشکل از بازاریان - دانشگاهیان - پزشکان - معلمین - سازمان دولتی - شرکت نفت و صنایع فولاد، در اجتماع با شکوهی در محل بیمارستان شماره ۱ جندیشاپور اجتماع کردند. در بین این جمعیت ۵۰ هزار نفری عنصر فرصت طلبی خود را نماینده دانشجویان دانشگاه تهران معرفی کرده و اجازه صحبت میگیرند و در ضمن سخنان خود که از روی پیش نویسی قرایت میشده رشد جنبش نوین ایران را حاصل رشد انقلابی کارگران و نقش عمده و تعیین کننده آنان معرفی مینماید. اما مردم مسلمان اهواز که متوجه جهت خاص صحبت های او شده بودند، با سروصدا و صلوات مانع ادامه آن میشوند و آقای موسوی روحانی مسوول اهواز بجای این منافق برنامه را ادامه میدهد.

نظامیان اهواز برای درهم شکستن اعتصاب کارگران نفت، زن و بچه کسانی را که مخفی شده اند دستگیر کرده و تهدید کرده اند که اگر آنها خود را معرفی نکنند و سرکار حاضر نشوند، خانواده شان را مورد آزار و احياناً تجاوز قرار خواهند داد.

تا روز ۵/۱۰/۵۷ - تعداد ۶ هزار جمعاً از صنایع نفت خوزستان استعفا داده اند. تنها ار اهواز ۲۸۰۰ نفر و از مسجد سلیمان ۴۰۰ نفر استعفا داده اند.

تاسیسات نفتی خارک بکلی تعطیل شده و کارکنان این جزیره کشتیهای باری را از اسکله دور کرده اند.

روز ۲/۱۰ دو پاسبان موتور سوار هنگام گشت در داخل شهر هدف گلوله قرار میگیرند و کشته میشوند.

اعتصاب در مجتمع عظیم صنایع فولاد این شهر که متعلق به بنیاد پهلوی است همچنان ادامه دارد و ۱۵۰۰ مهندس آن دست از کار کشیده اند. کارگران روی تمام علامت های بنیاد پهلوی رنگ زده اند.

مدیر عامل جدید شرکت نفت «آقای انتظام» برای بازدید تاسیسات و مذاکره با کارکنان اعتصابی به جنوب میرود. اما کارکنان اعتصابی ضمن ابراز احساسات برای ایشان میگویند شما بهتر است با آقای خمینی مذاکره کنید زیرا ما از زیر درخت سبب دستور میگیریم.

کارکنان اعتصابی قبلاً سه شرط برای بازگشت به کار معین کرده بودند:

۱- نفت بخارج صادر نگردد

۲- نظامی ها به سربازخانه برگردند.

۳- ارتش نفت را احتکار نکند.

گچساران

در هفته گذشته امام جمعه شهر و سه تن از کارگران و بازاریان را دستگیر میکنند و به نقطه نامعلومی میبرند.

تاسیسات نفتی این شهر به یک سرهنگ ارتشی واگذار شده است و مقررات نظامی درپالایشگاه اجرا میشود.

خرمشهر

شخصی بنام فیصلی که گویا قبلاً نماینده مجلس بوده، عده ای مزدور چماق بدست را اجیر مینماید و با اتوبوس به شهر حمله میکند. مردم جلوی اتوبوس او را میگردن و مانع خرابکاری میشوند ولی بلافاصله چند کامیون سرباز که محافظ چماق داران بودند مردم را به گلوله می بندند و یک نفر شهید و ۳۰ نفر زخمی میشوند.

آبادان

میزان دریافت نفت خام پالایشگاه آبادان از ۴۸۰ هزار بشکه در روز به ۲۰۰ هزار بشکه رسیده است. تمام قسمتها بجز قسمت «پروسس» در حال اعتصاب هستند.

همدان

جنازه سرباز شهیدی که فرماندار همدان را بگلوله میندازد از طرف مردم همدان بوسیله تعداد زیادی اتومبیل سواری (حدود ۵۰۰ اتومبیل) تشییع می شود و مبلغی حدود ۷۰ الی ۸۰ هزار تومان برای خانواده اش جمع آوری میگردد.

رفسنجان

مردم این شهر بمناسبت اعتراض به حمله وحشیانه مامورین و کشتار آنها در بیمارستان «۱۷ شهریور (شاهرضای سابق)» مشهد، در مسجد جامع تحصن اختیار نمودند.

روز سه شنبه ۹/۷ در ساعت ۳ بعد از ظهر در خیابان معین زاده، سروان حیدری (معاون شهربانی) توسط یک گروه از چریکهای فدایی اسلام اعدام گردید.

گرمسار

روز پنجشنبه ۵۷/۹/۲۳ ساعت یک بعد از ظهر، عده ای چماق بدست که توسط علی باقری (مالک مشهور) و منصور صادقی (نماینده مجلس) تحریک شده بودند، به منازل و مغازه های این شهر حمله میکنند و به تخریب و غارت و آتش زدن می پردازند و عده ای را مجروح میکنند

کازرون

گفته میشود متعاقب فرار بیش از ۶۰۰ نفر از سربازان شجاع از پادگان این شهر، دو نفر از آنان بطور اتفاقی در خانه یک گروهبان دستگیر میشوند. صبح فردای دستگیری، از همگی افسران و کادرهای ارتش و شهربانی دعوت میشود که برای نظارت بر اعدام این دو سرباز غیور در «صبحگاه» حاضر شوند.

هنگام اجرای حکم، بمحض آنکه فرمان آتش داده میشود چرخه آتش بطرف فرماندهان که در صفوف مقدم قرار داشتند نشانه گیری نموده و بسیاری از آنها را روانه قبرستان میکنند.

گفته میشود تیراندازی بیش از ۲ ساعت ادامه داشته است و از سرنوشت سربازان شجاع اطلاعی در دست نیست.

آخرین لحظات

زندانیان سیاسی و عادی زندان مشهد پتوها و تشکهای خود را آتش میزنند و اقدام به فرار می نمایند و تا اطاق دفتر زندان و بیسیم می رسند. در آن جا درگیری حاصل می شود و یک نفر کشته می گردد. متعاقب این جریان هلیکوپترهای ارتشی حمله می کنند و ۲ پاسبان و ۳ زندانی کشته می شوند و زندان به فاصله ۳۹۹ متری محاصره می گردد. پس از این جریان زندانبانان به زندانیان حمله می کنند و آتش سوزی بزرگی به راه می اندازند که بخاطر محاصره زندان از میزان صدمات و تلفات آن اطلاعی در دست نیست.

مشهد

دوشنبه ۹/۲۷ - امروز بمناسبت هفتم شهدای شهرهای اصفهان - نجف آباد - یزد - کاشان و... پیوستگی با سایر مردم کشور در عزای عمومی و تعطیل سراسری، جمع کثیری از طبقات مختلف مردم در مقابل منازل آقایان قمی و شیرازی گرد آمده و بسوی بیمارستان شاهرضا حرکت میکنند تا از آنجا جنازه شهید «منفرد» را که در جریان حمله به بیمارستان کشته شده بودند تشییع کنند. در حادثه مزبور ۱۷ نفر که بیشتر از بخش اطفال بودند مجروح میشوند و شهید «منفرد» هنگام حمله سربازان مشغول جوشکاری بوده است.

جمعیت جنازه را به بهشت رضا میبرند و در بین راه یکی از روحانیون خطاب به انبوه سربازانی که در کامیونها و تانکرهای ارتشی مستقر بودند میگوید:

«برادر سرباز، این خواهر توست و این برادر تو، تو هم برادر مایی، نباید اجازه بدهی که مزدوران پهلوی برای چند روزی بیشتر چاپیدن، تو را آلت دست قرار دهند.

این گلوله تو از پول ملت است. کفشت، کلاهت و بالاخره غذایت از پول ملت تهیه شده، هنوز هم دیر نشده فکر کنی و بروی مردم آتش نگشایید.»

جمعه ۱۰/۱ - بعد از ظهر امروز در چند نقطه شهر تظاهراتی انجام میشود. مرکز این تظاهرات بین چهار راه نادری و میدان خمینی (مجسمه) بوده و به درگیری با مأمورین انتظامی کشیده میشود که طبق گزارشان رسیده حدود ۲۰ - ۱۰ نفر کشته و ۸۰ مجروح میشوند.

شنبه ۱۰/۲ - امروز از ساعت ۲/۵ بعد از ظهر، مردم از مقابل منزل آیه ا... شیرازی تظاهرات و راهپیمایی را آغاز میکنند. مأمورین انتظامی برای متفرق کردن مردم مبادرت به تیراندازی هوایی میکنند اما تظاهر کنندگان متفرق نمیشوند و عده ای با چوب به یک استوار بنام «حسین ساکت ریاضی» حمله میکنند و او را بشدت کتک میزنند بطوریکه بیهوش

میشود. متعاقب این جریان و به بهانه این عمل مأمورین در خیابان نادری از پشت، جمعیت را هدف گلوله قرار میدهند که در نتیجه آن ۱۲ کشته و ۷۰ نفر زخمی میشوند.

اسامی عده ای از مجروحین بقرار ذیل است:

حسن عاقلی - حاجی حداد - هادی موسوی زاده - برات الله سرداری - رمضان نوروزی - میرزا رضانجایی - عباس کاوندی - رسول زارع - غلامرضا کوهی - حسین امیری - سید تقی سیدی - علی اصغر مهری - احمد رجب زاده - علی اکبر غفاریان - محسن سودمند - محمد کفشار - سید محمد حسین حمید پور - علی اکبر زمانی - محمد امیری - علی اصغر منصور - جواد دهقانی - براتعلی موسوی - حسن نوری - صادق محمد پور - رضا مرادی - جواد ثابتی - علیرضا عزیززاده - علی اکبر غفاریان - حبیب گلابتون - غلامعلی جوادی - حسن کلابی - رضا زارع - موسوی ممنی - رضا مظاهری - حیدر حیدری - عباس جنگ آزما.

یکشنبه ۱۰/۳ - امروز صبح زود جمعیت کثیری از منزل آقایان قمی و شیرازی و سایر نقاط شهر بسوی بیمارستان ۱۷ شهریور (شاهرضا) حرکت میکنند جمعیت ساعت ۱۰/۵ به بیمارستان میرسند و در آنجا اسامی شهداء و مجروحین روز جمعه خوانده میشود و بعد از سخنرانی آقای هاشمی نژاد، جنازه ۸ نفر از شهدا تشییع میگردد. این مراسم تا ساعت ۷ شب ادامه پیدا میکند.

علمای این شهر حکم مهدورالدم بودن سرلشگر میرهادی فرماندار نظامی شهر را صادر مینمایند و متعاقب تهدید آنها فرماندار تعویض گردیده شخص تازه ای بنام یزد چردی فرماندار نظامی میشود.

زاهدان - خاش - زابل

رژیم حيله‌گر و مکار بعد از اجرای برنامه های انحرافی و صحنه سازیهای مزورانه در جهت تجهیز و تشویق بهاییان شیراز علیه مسلمانان، ب فکر درگیریهایی از این قبیل در منطقه زاهدان و خاش و زابل افتاده است. و در این زمینه برای ایجاد اختلاف بین اهالی شیعه و سنی و شوراندن آنها علیه یکدیگر و بدست آوردن بهانه تازه ای برای کشتار و بهره برداری، مقدار زیادی از اعلامیه جعلی معروف به «خوابنامه» و همچنین نوارهای منحرف و مبتذلی از عمال خود در بین سکنه این شهرها پخش کرده است.

اهالی بیدار و هوشیار برای اعتراض به این نقشه های شیطانی و توطیه نفاق افکنی رژیم در اداره دادگستری متحصن شده اند.

۴ نفر از سربازانیکه روز جمعه ۹/۲۴ در عملیات حمله به مسجد کرمان از تیراندازی به مردم امتناع کرده بودند بدستور فرمانده مربوط هدف گلوله قرار میگیرند. نام یکی از این شهدای حرار «ابراهیم احترامی» ساکن تهران و (ناخوانا) از روستای کشور و دیپلمه میباشد.

تبریز

روز یکشنبه ۱۰/۳، استادان و کارکنان دانشگاه تبریز بمنظور اعتراض به رژیم جنایتکار حاکم، در محل دانشگاه تحصن میکنند. مردم این شهر از ساعت ۹ صبح از نقاط مختلف بصورت راه پیمایی بسمت محل تحصن استادان حرکت میکنند و در حوالی دانشگاه اجتماع عظیمی بوجود میآورند. در اینموقع پلیس با استفاده از ماشینهایی شبیه ماشین آتش نشانی، کف سفید رنگی که ایجاد تهوع و سر گیجه میکند به روی جمعیت می باشد و متعاقباً مبادرت به تیراندازی می کند که در نتیجه آن حدود ۸ نفر کشته و تعداد زیادی زخمی میشوند. بدنبال این جریان شهر بکلی تعطیل میشود و کف سفید رنگ مانند آثار سیل بر خیابانهای شهر باقی میماند.

زنجان

تیمسار کمالی (فرمانده گارد) که با حکم مأموریت ویژه در زنجان بسر میبرد، برای کنترل اوضاع تمامی رؤسای ادارات را عوض کرده و سر سپرده های جدیدی بجای آنها گماشته است.

چند روزی است مأمورین انتظامی به تلافی گروگان گرفتن فرزندان یک افسر ارتشی، هر کجا جوانی بدستتان بیفتد به باد کتک میگیرند.

گفته میشود بدنبال حمله به حمام زنان و پرتاب گاز اشک آور بداخل آن، تاکنون ۴ نفر از افراد گارد بدست مردم کشته شده اند و همچنین در کوچه های تنگ و باریک این شهر مردم موفق شده اند در این مدت ۱۲ تا ۱۹ نفر از مأمورین را غافلگیر کرده به درک واصل نمایند.

رضاییه

بدنبال حمله مأمورین انتظامی و ضرب و جرح مردم در ایام محرم، تعدادی از اکراد بطرفداری و دفاع از مردم با ۵۰۰ مرد مسلح به شهر وارد شده و تلفاتی به ارتش وارد می آورند و سربازان را فراری میدهند. نیروهای کمکی از پادگان «قرچک» هنگامیکه میرسند که اکراد شهر را ترک کرده بودند.

در ضمن گفته میشود تیمسار و راهرام استاندار سفاک این استادان از ترس به تهران گریخته است.

اصفهان

در زد و خوردهای پراکنده هفته گذشته تعداد زیادی در این شهر کشته و زخمی شدند.

اقداماتی که مأمورین انتظامی و پلیس این شهر برای سرکوبی مردم انجام میدهند بقرار ذیل میباشد:

۱- ضرب و جرح مردم و شکستن اتومبیلها بخاطر عدم الصاق عکس شاه یا نصب عکس آیه ا. . . خمینی.

۲- اجبار مردم به گفتن شعار «جاوید شاه» و در صورت ممانعت کتک زدن تا سر حد مرگ.

۳- حمله مزدوران چماق بدست به مغازه های بسته.

۴- حمله و تیراندازی به مردمیکه جهت اهداء خون به مجروحین در برابر بیمارستانها اجتماع میکنند و کشتار آنها (بیمارستان ثریا) .

۵- تیراندازی به مردمیکه خبرنگاران را احاطه مینمایند.

۶- بازرسی وسایط نقلیه موتوری و مصادره موتور سیکلت ها و عبور کامیونهای ارتشی از روی آن.

نجف آباد

بدنبال فجایع و کشتار روز عاشورا، طی هفته گذشته، مأمورین مسلح و چماق بدست های دولتی، به منزل معتمدین شهر حمله کرده و با ضرب و جرح آنها را مجبور میکنند شعار «جاوید شاه» بدهند و سپس به تخریب منازل و آتش زدن آنها میپردازند یکی از منازل که در این حمله آسیب فراوانی دیده خانه دکتر ایزدی میباشد.

یزد (۱۳ کشته - بیش از ۱۰۰ مجروح)

روز سیزدهم محرم امسال طبق سنت همه ساله بعنوان سوم شهادت امام حسین، مراسمی در مسجد «ملا اسمعیل» برگزار میگردد. این مراسم بعلت مداخله و ممانعت مأمورین، و تیراندازی آنها، بخون کشیده می شود و در نتیجه ۱۳ نفر شهید و بیش از یکصد نفر مجروح میشوند. مجروحین بخاطر آنکه تجربه بیمارستان ۱۷ شهریور مشهد تکرار نگردد، بدستور پزشکان شهر و آقای صدوقی حتی المقدور از مراجعه به بیمارستان خودداری میکنند.

روز هفتم محرم، معلم مدرسه ای را در دهکده «میبد» بطرز فجیعی مثله کرده بقتل میرسانند. این موضوع خشم و نفرت مردم را به نهایت رسانده است.

کرمان

عصر روز جمعه ۱۰/۱ بمناسبت هفتم شهادت «حمید نامجو» که روز جمعه ۹/۲۴ با گلوله مأمورین بقتل رسیده بود پیاده روی و تظاهرات گسترده ای در این شهر انجام شد. در این مراسم که در مسافت ۵ کیلومتری پیاده روی انجام میشد، مردم به قبرستان صاحب الزمان رفتند و برای مجاهد شهید که در کنار سایر شهدای جمعه ۹/۲۴ (دادبین - مهدوی حسینی و حسن توکلی) آرمیده بود، فاتحه ای قرائت نمودند.